

اصلاح ساختار بودجه دولت، گامی در جهت کاهش وابستگی به نفت

درآمدهای عمومی دولت در کنار سایر درآمدها قرار گرفت. مطابق آمار و ارقام رسمی در این سال سهم نفت در رقم درآمدهای عمومی دولت ۱۵۵۳۲۲۸۲۶۰۰۰ ریال بود و این رقم بعدها نه تنها کاهش نیافت و نه تنها ثابت نماند بلکه سال به سال نیز با ضریب بالاتری در بودجه کشور وارد شد. از این سال به بعد دیگر درآمدهای نفتی نه فقط هزینه های بودجه عمرانی بلکه هزینه بودجه جاری را نیز تأمین می کرد. این ترکیب بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز دست

مقدمه بودجه کاهش درآمدهای نفتی و به دنبال آن وضعیت جدید اقتصادی کشور باز دیگر این سوال اساسی را که سرانجام برای رهایی از مدار وابستگی به درآمدهای نفتی و حرکت به سمت بی ریزی اقتصادی تولید و مولد چه سمت گیری ها و چه برنامه هایی را باید دنبال کنیم، در سطح جامعه مطرح کرده است. طبیعی است شرایط فعلی، ما را در برابر موقعیت بسیار حساسی قرار داده است که نحوه برخورد با آن یقیناً می تواند سرنوشت آینده ما را تعیین کرده و یا بر آن تأثیر تعیین کننده ای بگذارد. در این میان هر کوششی که در این راستا و با چشم انداز ترسیم اقتصادی تولیدی و بودجه ای مستقل از درآمدهای نفتی صورت بگیرد باید به دقت مورد ارزیابی قرار گیرد و با سایر تجارب موجود مورد جمع بندی قرار گرفته و تکمیل و تصحیح شود. مقاله ای که ذیلاً از نظر خوانندگان عزیز می گذرد در این راستا و با هدف تصحیح روش ها و پیشش هایی که در گذشته در جامعه ما حاکم بوده و ارائه خط مشی و مهمتر از آن نحوه نگرش و تلقی ای جدید از درآمدها و هزینه ها و نحوه برنامه ریزی برای آنها تهیه شده است و در این چهارچوب تلاش شده که در ضمن بحثهای فوق، راه حل های مشخص و عملی ای نیز برای شرایط خاص و حساس کشور ارائه شود.

زمانی که در سال ۱۳۸۶ وزیر دارایی وقت کشور اولین بودجه ایران را تقدیم مجلس کرد هیچ بخش در مورد نفت به عنوان یکی از منابع درآمد دولت مطرح نشد. این بودجه شامل درآمدهای عمومی و اختصاصی و همچنین هزینه ها بود که بر حسب منابع درآمدها و میزان هزینه ها تنظیم می شد. علاوه بر اینکه در اینجا درآمدهای دولت نیز به دو بخش درآمدهای نفتی و درآمدهای جنسی تقسیم شده بود. این روند سالها و سالها ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۳۳۷ برای اولین بار استفاده از درآمدهای نفتی در بودجه مطرح شد البته در ابتدا این درآمدها نه به عنوان یکی از منابع ثابت درآمدهای عمومی دولت بلکه صرفاً به عنوان منبع تأمین

*** وابستگی به درآمدهای نفتی باعث شده است که درآمدها و هزینه های دولت انعطاف پذیری لازم را نداشته باشند و نتوانند به عنوان ابزار مناسبی برای سیاست گذاری در سطح کشور عمل کنند.**

*** امروزه همه با کاهش سهم درآمدهای نفتی در بودجه عمومی دولت موافقتند اما نکته مهم نحوه و مکانیزم اجرای این مسأله در قالب یک برنامه مشخص است**

کننده هزینه های بودجه عمرانی کشور وارد بودجه شد و در اختیار سازمان برنامه که مستقل از دولت عمل می کرد قرار گرفت. از این سال به بعد عملاً بودجه کشور به دو بخش بودجه عمرانی و بودجه عادی تقسیم شد و به ترتیب تحت نظر وزارت اقتصاد و سازمان برنامه و بودجه قرار گرفت. این روند نیز تا سال ۱۳۳۳ که دفتر مرکزی بودجه در سازمان برنامه تشکیل شد ادامه یافت و بعد نهایتاً در سال ۵۲ تغییراتی بنیادی در تشکیلات سازمان برنامه و بودجه بوجود آمد و به دنبال آن وظیفه تنظیم بودجه کشور به عهده معاونت بودجه سازمان برنامه گذاشته شد. مهمترین و اساسی ترین دلیل این تغییرات تحول عظیمی بود که در مورد منابع تأمین هزینه دولت ایجاد شد و بطور مشخص بعد از آن نفت جزء

خلاصه بودجه عمومی دولت ۱۳۶۰-۶۴

شرح	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴
کل درآمدها	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
درآمدهای عمومی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
تأمینات	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
نفت	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
درآمدهای اختصاصی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
سایر	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
درآمدهای عمومی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
جمع کل درآمدها	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
کل هزینه ها	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
درآمدهای عمومی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
اعتمادات دولتی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
سرمایه گذاری	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
تأمینات	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
اعتمادات دولتی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
سرمایه گذاری	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
تأمینات	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
اعتمادات دولتی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
سرمایه گذاری	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
تأمینات	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
اعتمادات دولتی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
سرمایه گذاری	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
تأمینات	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
اعتمادات دولتی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
سرمایه گذاری	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
تأمینات	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
اعتمادات دولتی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
سرمایه گذاری	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
تأمینات	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
اعتمادات دولتی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
سرمایه گذاری	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
تأمینات	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
اعتمادات دولتی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
سرمایه گذاری	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
تأمینات	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
اعتمادات دولتی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
سرمایه گذاری	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
تأمینات	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
اعتمادات دولتی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
سرمایه گذاری	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
تأمینات	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
اعتمادات دولتی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
سرمایه گذاری	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
تأمینات	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
اعتمادات دولتی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
سرمایه گذاری	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
تأمینات	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
اعتمادات دولتی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
سرمایه گذاری	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
تأمینات	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
اعتمادات دولتی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
سرمایه گذاری	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
تأمینات	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
اعتمادات دولتی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
سرمایه گذاری	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
تأمینات	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
اعتمادات دولتی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
سرمایه گذاری	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
تأمینات	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
اعتمادات دولتی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
سرمایه گذاری	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
تأمینات	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
اعتمادات دولتی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
سرمایه گذاری	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
تأمینات	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
اعتمادات دولتی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
سرمایه گذاری	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
تأمینات	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
اعتمادات دولتی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
سرمایه گذاری	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
تأمینات	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
اعتمادات دولتی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
سرمایه گذاری	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
تأمینات	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
اعتمادات دولتی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
سرمایه گذاری	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
تأمینات	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
اعتمادات دولتی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
سرمایه گذاری	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
تأمینات	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
اعتمادات دولتی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
سرمایه گذاری	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
تأمینات	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
اعتمادات دولتی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
سرمایه گذاری	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
تأمینات	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
اعتمادات دولتی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
سرمایه گذاری	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
تأمینات	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
اعتمادات دولتی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
سرمایه گذاری	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
تأمینات	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
اعتمادات دولتی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
سرمایه گذاری	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
تأمینات	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
اعتمادات دولتی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
سرمایه گذاری	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
تأمینات	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
اعتمادات دولتی	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰	۱۰۰۰۰/۰
سرمایه گذاری					

اصلاح ساختار بودجه دولت، گامی در جهت کاهش وابستگی به نفت

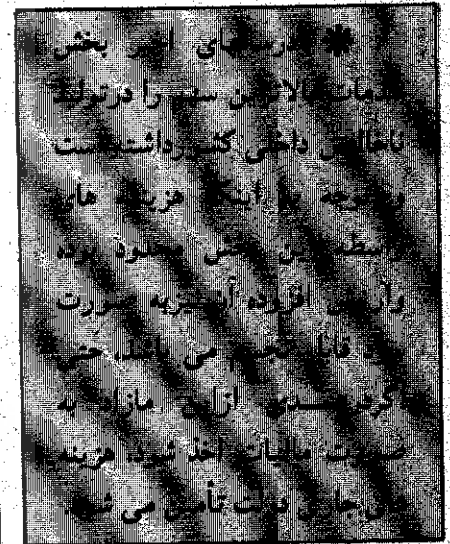
انواع درآمدهای دولت در بودجه کل کشور بر حسب بخش ۶۴ - ۱۳۶۰

(میلیون ریال)

برآورد ۱۳۶۲	مجموع ۱۳۶۲	نظری ۱۳۶۲	نظری ۱۳۶۱	نظری ۱۳۶۰	عنوان
۲۱۳۳۸۲	۲۰۸۷۳۰	۲۹۶۰۸۵	۲۷۷۳۰۷	۲۹۲۳۳۵	جمع کل
۱۱۴۰۱۳۸	۸۷۲۲۲۷	۷۷۷۵۲۴	۶۱۲۴۵۱	۵۵۲۱۰۲	بخش اول - درآمدهای مالیاتی
۲۶۹۲۲۲	۲۵۲۳۵۷	۲۰۸۶۸۸	۱۷۲۱۲۱	۲۲۷۶۰۷	مالیات بر شرکتها
۱۲۰۶۰۲	۱۳۳۸۸۲	۱۳۳۱۲۸	۱۱۳۹۵۲	۱۸۲۵۸۱	اشخاص حقوقی دولتی
۱۲۳۶۱۰	۹۵۲۷۵	۸۵۵۵۰	۶۰۱۶۹	۲۳۰۲۶	اشخاص حقوقی غیردولتی
۶۰۳۰	۳۵۰۰۰	۰	۰	۰	مراکز تهیه و توزیع کالا
۲۳۱۶۰۲	۱۰۱۹۰۷	۹۰۷۹۹	۷۷۲۲۲	۷۸۲۴۹	مالیات بر درآمد
۶۰۳۰۰	۶۰۳۰۰	۵۸۹۵۲	۵۵۳۳۸	۵۵۳۳۰	حقوق (کارکنان بخش عمومی و بخش خصوصی)
۱۵۱۷۵۵	۲۰۱۵۰	۲۲۱۶۵	۲۱۶۲۲	۱۶۸۲۷	مشاغل
۱۵۴۸	۱۱۲۵۷	۹۶۸۲	۱۰۲۶۲	۵۶۷۲	سایر
۲۷۵۲۷	۲۷۹۲۹	۲۳۵۰۰	۲۴۸۹۹	۱۶۰۲۰	مالیات بر فروش
۳۱۱۵۵	۴۰۳۵۰	۳۲۸۰۰	۱۹۹۲۷	۱۲۷۷۵	نقل و انتقالات و سرفه‌ای
۶۰۳۰	۷۵۳۸	۵۸۲۰	۲۶۶۵	۳۱۷۲	ارت
۲۶۲	۲۵۱	۲۰۰	۱۲۷	۷۲	سایر
۳۱۹۰۲۰	۳۱۵۷۸۹	۲۲۶۲۷۲	۲۱۷۵۳۲	۲۶۹۷۲۲	مالیات بر واردات
۱۲۵۰۰۰	۱۲۲۰۰۰	۱۲۳۵۰۲	۸۰۶۷۲	۵۲۴۸۲	سود بازرگانی
۱۰۵۰۰۰	۱۱۱۰۰۰	۱۲۵۹۲۰	۷۴۴۵۵	۱۰۱۱۶۲	حقوق گمرکی
۶۹۰۲۰	۵۰۷۸۹	۷۷۸۳۰	۶۲۳۱۶	۱۲۰۹۶	سایر
۲۱۲۷۰۷	۱۶۲۲۲۶	۱۱۸۲۵۲	۱۰۰۹۲۵	۶۲۴۸۲	مالیات بر مصرف و فروش
۱۷۹۱۲۶	۶۲۷۰۰	۲۲۲۰۰	۴۱۷۱۸	۱۶۰۰۰	مالیات بر فروش سنگار
۲۲۲۱۱	۳۸۴۱۶	۲۵۲۰۶	۲۷۲۲۲	۲۵۰۷۱	قراردادهای نفتی
۷۱۳۵۰	۶۲۰۲۰	۲۸۶۲۷	۳۱۹۷۵	۲۱۲۱۳	سایر
۱۸۶۷۰۰۰	۱۸۰۰۰۰۰	۱۵۵۸۲۷	۱۵۶۲۲۷۷	۹۳۷۹۰۲	بخش دوم - درآمدهای نفت و گاز
۱۸۶۷۰۰۰	۱۸۰۰۰۰۰	۱۵۵۸۲۷	۱۵۶۲۲۷۷	۹۳۷۹۰۲	فروش مستقیم نفت (فروش نفت خام و فرآورده‌های نفتی و گاز مایع)
۲۹۶۴۵	۷۳۳۷۸	۴۵۱۱۷	۶۱۱۸۹	۵۶۲۱۷	بخش سوم - مرآمدهای حاصل از انحصارات و مالکیت دولت
۱۳۰۰۰	۱۳۰۰۰	۱۳۰۰۰	۲۳۰۰	۱۰۰	دریافتی از مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت
۱۳۰۰۰	۱۳۰۰۰	۱۳۰۰۰	۲۳۰۰	۱۰۰	سازمان بنادر و کشتیرانی
۲۱۴۶۶	۲۱۷۳۲	۱۷۸۰۱	۵۳۲۲۱	۵۶۰۳۹	سود سهام شرکتها و دولتی
۶۲۰۵	۱۳۵۲	۱۲۱۱۸	۲۹۶۳۲	۵۶۰۰۰	بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
۱۵۱۶۱	۱۳۳۸۰	۲۶۸۲	۲۶۸۹	۳۹	سایر
۱۲۵	۱۱۴	۸۹	۱۲۴	۲۵	اجاره ساختمانهای دولتی
۱۵۰۲۲	۲۸۶۲۲	۵۲۲۷	۲۲۲۲	۲۳	سایر درآمدهای حاصل از انحصارات و مالکیت دولت

نخورده باقی ماند و روند وابستگی به نفت همچنان ادامه یافت.

طبیعی است که این حالت نمی توانست و نمی تواند به همین صورت ادامه یابد. بدیهی است که نمی توان نسبت به این شرایط بی تفاوت ماند و اهمیت برخورد و چاره جویی درقبال این مساله وقتی بیشتر احساس می شود که می بینیم هر مانعی که در راه کسب درآمدهای نفتی ما بوجود می آید و یا حداقل باعث می شود که میزان آن ها کاهش یابد می تواند در تمام اجزای بافت اقتصادی کشور تاثیر مستقیم بگذارد و قسمت اعظم فعالیتهای تولیدی و مولد جامعه را مختل سازد. ضرورت این مساله بخصوص در شرایط فعلی که مساله کاهش ناگهانی قیمت‌های نفت مطرح شد و به دنبال آن بحث اقتصاد بدون نفت و خروج از مدار وابستگی به درآمدهای نفتی در بسیاری از محافل مورد توجه قرار گرفته است بیشتر از همیشه احساس می شود واقعیت این است که در بودجه عمومی کشور درآمد دولت از درآمدهای مالیاتی



درآمد نفت، درآمد حاصل از انحصارات و مالکیت دولت درآمدهای حاصل از خدمات و فروش کالا، حق بیمه کمکهای دریافتی درآمدهای انتقالی و متفرقه اصل و بهره وامها و سود حاصل از سرمایه گذاری دولت در خارج از کشور تشکیل می شود و در این میان سهم درآمد نفت از کلیه درآمدهای هوزی الذکر بیشتر است. در حال حاضر با توجه به کاهش بهای نفت که طبیعتاً منجر به کاهش درآمد ملی کشور شده این مساله مطرح است که باید سهم نفت از بودجه حذف و یا حداقل تعدیل شود. طبیعی است که ارائه هر پیشنهاد و راه حلی در این زمینه ابتدا منوط به شناختن فلسفه جایگاه نقش و ساختمان بودجه در اقتصاد کشور می باشد و در این رابطه بررسی روند تاریخی بودجه ریزی در طول تاریخ و همچنین جمع بندی نظرات مختلف مربوط به این مساله در تاریخ عقاید اقتصادی می تواند بسیاری از مسائل را در این راستا روشن نماید.

تئوریهای اقتصادی در مورد بودجه

در تاریخ تئوریهای اقتصادی اولین بار اقتصاددانان کلاسیک به مساله بودجه توجه کرده و برای آن تعریفی را

اصلاح ساختار بودجه دولت، گامی در جهت کاهش وابستگی به نفت

نظام برنامه‌های بلند مدت و میان مدت پیش‌بینی شده و برای تحقق آنها ضرورت تدوین بودجه‌ها و برنامه‌های سالانه مطرح شده است. بنابراین در مجموع در طول تاریخ عقاید اقتصادی در مورد تحول نقش بودجه و مکانیزم بودجه ریزی سه عامل را که با یکدیگر در یک ارتباط متقابل و تنگاتنگی قرار دارند مشاهده می‌کنیم. این سه عامل عبارتند از: دولت، پیش‌های اقتصادی، اجتماعی و بودجه. مساله به این صورت است که تحول نقش و جایگاه دولتها و تغییراتی که در پیش‌های اقتصادی بوجود آمد، منجر به پیدایش نظامهای بودجه‌ای جدیدی شد که امروزه شاهد آخرین و پیشرفته‌ترین آنها با متدها و روشهای جدیدی که به آنها اشاره هستیم، بطوری که در حال حاضر اکثر بودجه‌ها دارای اهداف اقتصادی بوده، در راه تامین عدالت اجتماعی بکار گرفته می‌شوند و در نهایت نیز به عنوان یک ابزار سیاست گذاری در جهت تیل به رشد و توسعه اقتصادی اجتماعی عمل می‌کنند.

ساختمان بودجه ایران

اگر بخواهیم با توجه به مسائل فوق و در پرتو روند تاریخی بودجه ریزی به سوال اساسی‌ای که در ابتدای این بحث مطرح کردیم یعنی یافتن راه حلی برای ایجاد تغییرات بنیادی در ساختمان بودجه کشور استقلال آن از درآمدهای نفتی پاسخ دهیم بهتر است که در ابتدا مختصات ساختمان بودجه ایران را ترسیم کنیم. بودجه ایران همانند تمام بودجه‌هایی که در طول تاریخ تهیه و تنظیم شده است دارای دو بخش است:

بخش درآمدها و بخش هزینه‌ها. قبل از بررسی این دو مقوله ذکر این نکته ضروری است که باید بودجه عمومی دولت از بودجه کل کشور تفکیک شود زیرا تاکنون در بحثها و اظهار نظراتی که مطرح شده معمولاً بودجه عمومی یعنی همان حساب دخل و خرج دولت و وزارتخانه‌های متبوعه و نیروهای دولتی مورد توجه قرار گرفته است در حالی که بودجه کل کشور لفظی عام‌تر از بودجه عمومی دولت دارد و دارای ۳ بخش عمده می‌باشد که عبارتند از: بودجه عمومی دولت، بودجه شرکت‌های دولتی و بودجه موسسات انتفاعی وابسته به دولت. لازم به توضیح است که در اینجا مقصود از شرکت‌های دولتی، شرکت‌هایی است که بیش از ۵۰ درصد سهام آنها متعلق به دولت است و موسسات انتفاعی وابسته به دولت هم موسساتی هستند که بصورت انتفاعی اداره می‌شوند که از این نوع موسسات در حال حاضر عملاً یک مورد بیشتر در بودجه وجود ندارد و آن هم همان سازمان بنادر و کشتیرانی است. با توجه به این مقدمه می‌توان گفت که در نظام بودجه عمدتاً بر حسب این سه بخش از ساختمان بودجه کل کشور درآمدهایی نیز قابل محاسبه هستند که اصطلاحاً به آنها درآمدهای عمومی می‌گویند. درآمدهای عمومی در نظام بودجه ایران دارای ۲ بخش کلی است که عبارتند از: درآمدهای نفتی، درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدها. در اینجا منظور از سایر درآمدها ترکیب درآمدهای مختلف دولتی، درآمد حاصل از فروش کالاهای دولتی و درآمد حاصله از حق انحصار دولت و غیره می‌باشد. در مقابل بخش درآمدها

بود. دومین نوع بودجه ریزی که بعد از جنگ جهانی اول متداول شد بودجه برنامه‌ای است که در آن برای تدوین بودجه ابتدا اهداف دولت تعیین می‌شد. سومین نوع بودجه ریزی، بودجه عملیاتی است که مراد از آن ایجاد توزان منطقی میان حجم فیزیکی عملیاتی که انجام می‌گیرد با منابع مالی‌ای که وارد سیستم می‌شود بوده و چهارمین شیوه

نفت با تأمین هزینه‌های جاری از منابع مالیات‌ها، درآمدهای نفتی کشور برای فعالیتهای عمرانی آزاد می‌شود و دیگر ناچار نخواهیم بود برای مقابله یا ترمیم از درآمدهای نفتی استفاده کنیم. همچنین یکی از پیشنهادات تعیین کننده برای اصلاح ساختار درآمدهای دولت حل کردن در آمد نفت از قبیل درآمدهای دولت و قراردادهای در بخش منابع تامین کسری بودجه است.

پیشنهاد می‌شود که حداقل برای یکبار بودجه‌ای بسته شود که بتوان نفت به عنوان درآمدشری مطرح از نظام مالی دولت تلقی کرد و به طوری اینکه منبع اصلی درآمد دولت کشور شود به عنوان وسیله‌ای که در کمک آن که در نظر گرفته شود مورد استفاده قرار گیرد.

بودجه ریزی سیستم جامع بودجه ریزی برنامه‌ریزی و یا (P.P.B.S) است که امروزه به عنوان یک شیوه مدرن در نظامهای بودجه‌ریزی مطرح شده است. در این سیستم ابتدا باید برنامه‌های میان مدت و بلند مدت طراحی شود زیرا اگر بودجه بر برنامه توسعه منطبق و متکی نباشد زمان پیش‌بینی و در نتیجه برد عملکرد آن مخلوب می‌شود. در این

دنیال آن دولتها آرام آرام وارد فعالیتهای اقتصادی شدند و در این زمینه نقش و سهم عمده‌ای را بر عهده گرفتند. در همین راستا نظام جیره بندی در بسیاری از کشورها به مرحله اجرا در آمد و بدینال آن نظام‌های مالی مدرنی طرح ریزی شد. این روند همچنان ادامه داشت تا اینکه بحران سال ۱۹۲۹ بوجود آمد. این بحران چنان تغییری در روابط اقتصادی و همچنین مبانی نظری گذشته ایجاد کرد که بحق می‌توان آن را سومین عامل اساسی در تغییر و تحولاتی که منجر به تغییر نقش دولت در جامعه شد بحساب آورد.

مکاتب اقتصادی کهنتری مهمترین دلیل وقوع این بحران را عدم قدرت خرید بازار معرفی می‌کنند. خود کینز در این مورد نظریات معروفی دارد. وی می‌گوید: «مصرف باستان از دو جهت خوشبخت بود. اول به جهت فعالیت در کسب طلا و نقره و دوم به دلیل ساختن اهرام، دو فعالیتی که هر قدر هم سریع گسترش پیدا کند سیستم اقتصادی، اجتماعی رادچار مازاد تولید نمی‌کنند. وی بر همین اساس دستور ساختن اهرام جدیدی را به دولت می‌دهد و صریحاً اعلام می‌کند که دولت باید در فعالیتهای اقتصادی دخالت کند و حتی اگر فعالیت آن در جهت ایجاد اشتغال‌های کاذب و واهی نیز باشد بهتر از آن است که هیچ فعالیتی انجام ندهد.

همان طور که ملاحظه می‌شود این نظرات درست در نقطه مقابل نظریه کلاسیک‌ها قرار دارد و عملاً مبانی آن را دگرگون کرده است. با پذیرفتن اصول نظریات کینز در غرب نظامهای بودجه‌ای اندک اندک دچار تغییر و تحول شدند. مشخصه جدید این نظامها را بعد از بحران ۱۹۲۹ می‌توان چنین بر شمرد:

۱- از نظر اقتصادی هدفدار می‌باشند.
۲- نقشی را در تامین عدالت اجتماعی به عهده می‌گیرند.

۳- به عنوان یک ابزار سیاست گذاری در جهت تیل به اهداف اقتصادی اجتماعی عمل می‌کنند.

پس از این ۳ عامل (تناقض بین جنبه‌های نظری و عملی اقتصاد کلاسیک، جنگ جهانی اول و بحران سال ۱۹۲۹) مهمترین واقعه‌ای که دست دولت را بطور کامل برای دخالت در اقتصاد باز کرد جنگ جهانی دوم است. بعد از جنگ جهانی دوم عملاً نقش سیاسی اقتصادی دولت در سطح جامعه افزایش یافت به نحوی که در ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۳۷، دولت تنها حدود ۸ درصد از تولید ناخالص داخلی را هزینه می‌کرد یعنی هزینه‌های بودجه آمریکا نسبت به تولید ناخالص داخلی این کشور تنها ۸ درصد بود اما این نسبت در اواخر سال ۱۹۴۴ به حدود ۵۰ درصد رسید و این مساله کم و بیش در سایر کشورها نیز مشاهده می‌شود.

این آمار به خوبی نمایانگر تغییراتی است که در سالهای بین دو جنگ جهانی و همچنین دوران بعد از جنگ در اکثر جوامع غربی بوجود آمد. در همین راستا شیوه‌های بودجه ریزی نیز دچار تحولات عمده‌ای شد که بررسی تاریخی این مقوله به خوبی می‌تواند این مساله را نشان دهد.

اولین شیوه بودجه ریزی در طول تاریخ تحولات اقتصادی همان بودجه دخل و خرج بوده است که تنظیم آن ساده و مشخص

بخش هزینه ها قرار دارد که خود دارای دو بخش است. هزینه های جاری که برای اداره امور جاری کشور پرداخت می شوند و هزینه های عمرانی که هزینه سرمایه گذاری های ثابت دولت را در زمینه های زیربنایی و اجتماعی تشکیل می دهند. ما حاصل میان درآمدها و هزینه های دولت را اصطلاحاً کسری بودجه می نامند. کسری بودجه تقریباً تا زمان جنگ جهانی دوم از نظر همه اقتصاددانان غیر قابل قبول بود ولی در شرایط حاضر این مساله بعنوان یکی از ویژگیهای بودجه های جدید محسوب می شود.

ارزیابی نظام بودجه ایران

اولین ویژگی بودجه ایران بالا بودن سهم درآمدهای نفتی در ردیف درآمدهای عمومی کشور است. در بودجه کشور قسمت عمده درآمدهای عمومی دولت را درآمدهای نفتی تشکیل می دهد و سهم درآمدهای مالیاتی نسبت به درآمدهای نفتی (به غیر از سال جاری که احتمالاً به دلیل کاهش درآمدهای نفتی، درآمدهای مالیاتی بخش مهمی از بودجه را به خود اختصاص می دهد) در سالهای گذشته عمدتاً پایین بوده است.

این ترکیب متعاقبانه بعد از انقلاب نیز تغییر نکرده است و امار و ارقام نشان دهنده سهم فزاینده نفت در تامین هزینه های جاری و عمرانی کشور است. سهم درآمد نفت در بودجه که در سالهای ۵۷ و ۵۸ رقم بسیار بالایی را تشکیل می داد در سال ۵۹ به ۸۸۸/۸۳۰ میلیون ریال رسید که نسبت به سال ۵۸ کاهش قابل توجهی داشت ولی متعاقباً این رقم نه تنها ثابت نماند بلکه سال به سال نیز افزایش یافت. سهم درآمد نفت در سالهای ۶۰، ۶۱ و ۶۲ به ترتیب ۹۳۷/۹۰۷، ۱/۵۶۳/۳۷۷ و ۱/۵۸۵/۲۶۷ میلیون ریال بود که مشاهده می شود روند رو به رشدی را در پیش داشته است.

البته در سالهای اخیر سهم درآمدهای نفتی در بودجه کاهش پیدا کرده است ولی این به آن معنی نیست که در یک برنامه منظم و با یک اقدام حساب شده این کاهش صورت گرفته و در مقابل، درآمدهای مالیاتی به همان میزان افزایش یافته باشد بلکه این مساله صرفاً به این دلیل است که به دنبال مسائل متعددی که در اثر جنگ تحمیلی در رابطه با میزان و نحوه تولید و فروش نفت برای کشور ما پیش آمده در مجموع درآمدهای نفتی کشور کاهش یافته است و طبیعتاً به دنبال کاهش درآمدهای نفتی که ناشی از تنزل بهای نفت و سایر عوامل دیگر است نقش نفت نیز در بودجه کشور کاسته شده است ولی همان طور که گفته شد بدلیل

اینکه متناسب با آن سهم درآمدهای مالیاتی افزایش نیافته است در مجموع ترکیب و ساختمان بودجه کشور تغییری نکرده و به همین جهت وضعیت جدید نمی تواند به عنوان یک ویژگی و خصوصیت جدید برای بودجه کشور مطرح شود و مسلماً زمانی که کاهش سهم درآمدهای نفتی در بودجه کشور با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی و همچنین ایجاد تغییرات بنیادی در ترکیب بودجه صورت پذیرد می تواند عنوان یک دستاورد با ارزش و موفقیت بزرگ را به خود اختصاص دهد.

در حال حاضر هزینه های جاری کشور در حدی است که بزرگترین کاهش آن نمی تواند متعلق به امور قبول باشد و عدم امکانات لازم برای انجام و اجرای پروژه ها، عدم ظرفیت سازمان کاری و نقدی ها، که در بین شروع فعالیتان که با ایجاد می شود همه ناشی از ضعف کارایی نظام اجرایی کشور می باشد.

همان طور که گفتیم هزینه های جاری و اگر هم راه افزایش هزینه های عمرانی نظیر نه تنها مشکلی را حل نمی کند بلکه منشاء مسائل و مشکلات بسیار پیچیده و گوناگونی می شود.

قسمت دیگر بودجه را بخش هزینه ها تشکیل می دهد همان طور که گفته شد در بودجه دو نوع هزینه وجود دارد. هزینه های جاری و عمرانی. در این میان مساله ای که در مورد کشورهای در حال توسعه تقریباً مورد توافق اکثر اقتصاد دانان است ضرورت محدود بودن سهم هزینه های جاری و افزایش سهم هزینه های عمرانی است چرا که توسعه اقتصادی بخصوص در یک نظام در حال رشد عملاً فاصله طبقاتی را افزایش داده و نهایتاً به افزایش قیمتها و تورم منجر می شود زیرا در این حالت سرمایه زیادی باید به گردش درآید تا مازاد اقتصادی از آن حاصل شود و در این شرایط صاحبان سرمایه به دلیل برخورداری از امکانات و شرایط خاص می توانند نقش فعالی را هم در روابط اقتصادی و اجتماعی در سطح جامعه و هم در زمینه کسب سود و درآمد بیشتری برای خودشان ایفا کنند. در این میان افزایش سهم هزینه های عمرانی توان تولیدی جامعه را بالا برده و در دراز مدت از طریق عرضه کالا از تورمهای حاد جلوگیری می شود. در این شرایط اگر صرفاً هزینه های جاری افزایش یابد هم در کوتاه مدت و هم در بلند مدت می تواند به روندهای تورمی دامن زده و مشکلاتی را ایجاد کند. اما در اینجا نکته ای که قابل بحث است ارتباط میان افزایش هزینه های عمرانی و کاهش هزینه های جاری است. همان طور که در مورد رابطه بین کاهش درآمدهای نفتی و افزایش درآمدهای

درآمد ملی بر حسب فعالیتهای عمده اقتصادی به قیمت جاری ۱۳۵۸-۶۲ (میلارد ریال)

نمایندگهای عمده تصادی	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲
کشاورزی	۷۰۲/۲	۱۰۸۲/۳	۱۵۲۵/۶	۱۹۱۲/۱	۲۱۳۸/۵
نفت	۱۶۶۰/۲	۹۸۰/۲	۹۳۰/۸	۱۷۶۹/۵	۱۸۰۹/۶
صنایع و معادن	۱۰۶۰/۵	۱۲۳۳/۰	۱۲۹۹/۲	۱۸۲۶/۹	۲۲۹۲/۶
مدن	۶۷/۷	۹۹/۷	۱۲۲/۸	۱۵۸/۲	۱۳۲/۲
صنعت	۲۸۸/۷	۶۰۲/۲	۷۳۱/۶	۸۹۲/۲	۱۰۷۲/۸
آب، برق و گاز	۶۲/۶	۶۱/۳	۷۷/۸	۹۸/۶	۹۰/۹
ساختمان	۲۲۱/۵	۵۲۹/۸	۵۲۶/۵	۶۸۵/۶	۱۰۸۸/۶
خدمات	۳۱۶۳/۰	۳۶۹۶/۰	۲۲۹۱/۲	۵۳۱۳/۹	۷۲۷۵/۶
بازرگانی، وسعول و خدماتی	۶۲۰/۲	۷۵۳/۵	۱۲۹۵/۰	۱۷۰۲/۸	۲۸۹۲/۸
حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات	۲۵۲/۲	۵۵۳/۸	۶۲۰/۷	۷۰۱/۸	۹۲۷/۶
خدمات موسسات پولی و مالی	۲۸۴/۲	۲۰۲/۹	۳۰۲/۲	۳۰۵/۰	۳۵۷/۲
خدمات مستلزمات و خدمات حرفه ای و تخصصی	۵۳۸/۰	۶۸۰/۵	۷۹۵/۶	۹۲۸/۰	۱۲۷۰/۳
خدمات عمومی	۹۱۰/۲	۷۵۱/۲	۸۳۲/۹	۱۰۲۰/۵	۱۱۷۵/۷
خدمات اجتماعی، شخصی و خانگی	۲۲۰/۲	۵۵۲/۱	۶۶۱/۸	۶۰۷/۸	۷۸۲/۰
کسری بودجه					
کارمزد احتسابی	۲۲۷/۳	۲۹۳/۸	۳۲۸/۸	۲۱۰/۹	۲۲۷/۰
تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل	۶۳۳۷/۸	۶۷۵۸/۹	۸۲۱۸/۵	۱۰۶۲۲/۵	۱۳۲۷۱/۲
تولید ناخالص داخلی بدون نفت به قیمت عوامل	۶۲۷۷/۶	۵۷۷۸/۵	۷۲۸۷/۷	۸۸۵۲/۰	۱۱۶۶۱/۷
خالص درآمد عوامل تولید از خارج	۵۵/۵	۶/۲	۳۲/۹	-۲/۲	-۴/۷
خالص مالیاتهای غیر مستقیم	-۲/۵	۱۶۷/۱	۱۰۲/۲	۱۳۲/۸	۲۷۸/۲
تولید ناخالص ملی درآمدها خالص ملی به قیمت بازار	۶۲۹۰/۸	۶۹۲۲/۲	۸۳۵۵/۸	۱۰۷۵۶/۱	۱۳۷۲۲/۸
کسری بودجه					
استهلاک سرمایه های ثابت	۳۷۲/۲	۳۶۲/۲	۵۸۳/۲	۷۰۸/۱	۹۳۲/۶
خالص مالیاتهای غیر مستقیم	-۲/۵	۱۶۷/۱	۱۰۲/۲	۱۳۲/۸	۲۷۸/۲
درآمد ملی	۶۰۱۸/۹	۶۳۰۲/۱	۷۶۶۸/۰	۹۹۱۲/۲	۱۲۵۲۱/۷

ماده - با یکمتری جمهوری اسلامی ایران، اداره بر سهایی اقتصادی، گزارش اقتصادی و بودجه ای سال ۱۳۶۱ - با یکمتری جمهوری اسلامی ایران، اداره بر سهایی اقتصادی، گزارش اقتصادی و بودجه ای سال ۱۳۶۲ -

اصلاح ساختار بودجه دولت، گامی در جهت کاهش وابستگی به نفت

افزایش هزینه های عمرانی بوده و از طرفی سقف مشخصی داشته باشد که خود این مقوله ارتباط تام و تمام با نتیجه اول یعنی افزایش درآمدهای مالیاتی دارد چرا که در حال حاضر با توجه به کاهش درآمدهای نفتی، درآمدهای مالیاتی می تواند میزان و سقف کاهش هزینه های جاری را معین و ارتباط آن را با هزینه های عمرانی تنظیم کند.

خود را در رشد و توسعه اقتصادی تنها با تکیه بر درآمدهای نفتی ایفاء کرده است. و این درآمدهای نفتی بوده که نقش اساسی را در رشد و توسعه اقتصادی کشور ما به عهده گرفته است. در اختیار داشتن درآمدهای سرشار نفتی در یک روند طولانی توسط دولت باعث شده است که در حال حاضر اولاً عواید نفتی درصد بسیار بالایی را از درآمد ملی کشور به خود اختصاص دهد و از طرفی درآمدهای دولت نه از دریافت های معمول مالیاتی از بخش های مختلف داخلی و نه از محل درآمد موسسات دولتی، بلکه صرفاً از منبع مستقلی بنام

افزایش هزینه های عمرانی بوده و از طرفی سقف مشخصی داشته باشد که خود این مقوله ارتباط تام و تمام با نتیجه اول یعنی افزایش درآمدهای مالیاتی دارد چرا که در حال حاضر با توجه به کاهش درآمدهای نفتی، درآمدهای مالیاتی می تواند میزان و سقف کاهش هزینه های جاری را معین و ارتباط آن را با هزینه های عمرانی تنظیم کند.

چشم انداز اصلاح ساختار درآمدهای دولت

همان طور که گفته شد در سالهای گذشته دولت نقش

مالیاتی گفته شد که اگر این تناسب حفظ نشود صرف کاهش درآمدهای نفتی مشکلی را حل نمی کند و حتی چه بسا که مشکلات جدیدی را نیز بوجود آورد در اینجا نیز باید گفت صرف کاهش هزینه های جاری اگر همراه با افزایش هزینه های عمرانی نباشد نیز نه تنها مشکلی را حل نمی کند بلکه منشأ مسائلی و مشکلات بسیار پیچیده و دشواری نیز می شود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بنا به دلایل متعدد هزینه های جاری کشور افزایش یافته است و از طرفی در گذشته و حتی در حال حاضر برای برخورد با مسائل اقتصادی گرایش غالب این بوده و هست که هزینه های جاری محدود شود. این تصمیم اگر یک جانبه و بدون ارتباط با سهم هزینه عمرانی به اجرا درآید می تواند به نقش پویا و خلاق هزینه های عمرانی لطمه بزند. یعنی برای محدودیت هزینه های جاری باید یک سقف مشخصی در نظر گرفته شود و اگر این محدودیت به سطحی برسد که دیگر حداقل هزینه های نظام اجرایی نیز زیر سؤال برود عملاً کار آیی این بخش محدود شده و باعث می شود سرمایه هایی که در زمینه فعالیت های عمرانی هزینه می شود بی حاصل بماند و نتواند جذب شود. در این مورد مثالها و موارد متعددی وجود دارد. به عنوان

(میلیارد ریال) درآمد ملی بر حسب فعالیت های عمده اقتصادی به قیمت ثابت سال ۱۳۵۳: (۶۲ - ۱۳۵۸)

فعالیت های عمده اقتصادی	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲
کشاورزی	۲۵۶/۳	۲۶۲/۹	۲۰۲/۰	۲۳۶/۰	۲۲۹/۰
نفت	۷۶۷/۶	۳۳۰/۵	۲۷۲/۶	۵۲۶/۸	۵۲۱/۱
صنایع و معادن	۵۱۱/۹	۵۰۰/۲	۵۲۴/۵	۵۹۰/۷	۶۸۲/۱
معادن	۳۵/۳	۲۶/۴	۲۵/۵	۲۷/۵	۲۷/۳
صنعت	۳۱۸/۸	۳۲۳/۸	۳۴۶/۴	۳۸۷/۸	۴۶۲/۸
آب، برق و گاز	۵۵/۰	۴۸/۳	۵۶/۶	۶۴/۷	۵۹/۰
یاجستان	۱۱۲/۸	۱۲۰/۷	۱۰۶/۰	۱۱۰/۷	۱۲۳/۰
خدمات	۱۵۶۰/۷	۱۴۷۵/۶	۱۵۰۴/۱	۱۵۴۶/۲	۱۸۳۳/۷
بازرگانی، رستوران و هتلداری	۳۴۵/۰	۳۱۰/۵	۳۴۶/۵	۲۸۷/۳	۷۲۵/۳
حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات	۱۹۶/۹	۱۷۴/۳	۱۵۸/۳	۱۶۸/۱	۱۸۵/۴
خدمات نوسانات بولی و مالی	۱۴۲/۸	۱۶۶/۱	۱۰۴/۱	۸۵/۹	۸۵/۵
خدمات مستقالات و خدمات حرفه ای و تخصصی	۲۲۱/۸	۲۸۷/۵	۳۱۰/۰	۳۳۵/۰	۳۵۱/۱
خدمات عمومی	۲۶۲/۸	۳۰۹/۸	۲۷۹/۹	۲۹۲/۹	۳۸۱/۲
خدمات اجتماعی، شخصی و خانگی	۱۷۰/۴	۲۲۷/۴	۲۱۷/۳	۱۷۷/۰	۱۹۷/۲
کسرمشود:					
کاربرد احتسابی	۱۲۶/۰	۱۲۱/۲	۷۶/۸	۵۹/۲	۵۹/۱
تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل	۴۰۷۰/۵	۲۵۶۸/۰	۲۶۲۹/۲	۳۰۰۲/۳	۳۳۱۷/۸
تولید ناخالص داخلی بدون نفت به قیمت عوامل	۲۳۰۲/۹	۲۲۳۷/۵	۲۳۵۰/۸	۲۵۱۲/۵	۲۸۸۶/۷
خالص درآمد عوامل تولید از خارج	۵۸/۶	۳۲/۷	۵۱/۶	۲۱/۱	۲۷/۷
خالص مالیات های غیر مستقیم	-۱/۳	۶۸/۹	۳۷/۳	۲۳/۸	۶۸/۹
تولید ناخالص ملی به قیمت بازار	۳۱۱۷/۸	۲۶۶۹/۶	۲۷۸۸/۳	۳۱۱۵/۲	۳۵۳۴/۲
نتیجه رابطه مانده با بازگانی	۲۵۵/۱	۲۵۶/۷	۲۶۹/۵	۲۳۵/۱	۲۸۶/۲
درآمد ناخالص ملی به قیمت بازار	۳۳۸۲/۹	۲۹۲۶/۲	۲۹۹۷/۸	۳۴۵۰/۲	۳۹۲۰/۷
کسرمشود:					
استهلاك سرمایه های ثابت	۱۸۱/۰	۱۸۳/۹	۲۰۰/۲	۲۲۲/۱	۲۷۲/۳
خالص مالیات های غیر مستقیم	-۱/۳	۶۸/۹	۳۷/۳	۲۳/۸	۶۸/۹
درآمد ملی	۳۲۰۳/۲	۲۶۳۳/۵	۲۷۵۲/۱	۳۱۷۲/۵	۳۵۷۹/۵

مأخذ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، آمار و بررسی های اقتصادی، گزارش اقتصادی و بودجه ای سال ۱۳۶۱ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، آمار و بررسی های اقتصادی، گزارش های و بودجه های و بودجه های عمومی کشور، سال ۱۳۶۲

اگرچه محل درآمدی
نفتی همبستگی دلار برای کارهای
انتقالی اختصاص می یابد تا این
مبلغ در بخش های مختلف
کشور توزیع و سایر بخشها باید به
محل بحری برخورد کنیم که
گویی این سرمایه از وام خارجی
تامین شده است.

نمونه مشاهده شده است که هزینه تعمیرات یک دانشکده و یا مدرسه ای به دلیل اینکه جزو هزینه های جاری است قطع شده و نهایتاً منجر به ویران شدن آن مدرسه یا دانشکده شده است که در صورت تکرار و یا تداوم آن ضربات جبران ناپذیری بر کار آیی و صلاحیت نظام و کادر اجرایی کشور وارد می شود و طبیعی است که وقتی کادر مناسبی برای اجرای پروژه های عمرانی وجود نداشته باشد انجام این برنامه ها به نتیجه مطلوب خود نمی رسد. در حال حاضر هزینه های جاری کشور در حدی است که دیگر کاهش بیشتر آن نمی تواند مثبت و مورد قبول باشد و عدم امکانات لازم برای انجام و اجرای پروژه ها، عدم ظرفیت پیمانکاری و وقفه هایی که در بین شروع و پایان کارها ایجاد می شود همه ناشی از همین مسأله یعنی وجود نقاط در اجرای آنها است. ضعف بنابر این با توجه به مباحث فوق بطور کلی می توان گفت: اولاً کاهش درآمد نفت باید حتماً همراه با افزایش درآمد مالیاتی باشد. ثانیاً کاهش هزینه های جاری که طبیعتاً به دنبال کاهش درآمد نفت صورت می گیرد باید همراه با

نفت که ارتباط مستقیمی نیز با سایر فعالیتهای اقتصادی ندارد تامین شود و نهایتاً پیشرفت و ترقی اقتصادی تا حد زیادی مستقل از حجم مازاد اقتصادی تولید شده در داخل صورت پذیرد. این وضعیت باعث شده است که درآمدهای هزینه‌های دولت انعطاف پذیری لازم را نداشته باشند و نتوانند به عنوان ابزار مناسبی برای سیاست گذاری در سطح کشور عمل کنند. همان طور که در ابتدای بحث گفته شد یکی از اصلی‌ترین خصوصیات بودجه نقش آن بعنوان ابزار سیاست گذاری توسط دولت است یعنی در هر مرحله‌ای که عدم تعادل شرایط اقتصادی به صورت تورم ویا رکود در سیستم دیده می‌شود دولت می‌تواند از طریق بودجه برای ایجاد تغییرات و اصلاحات لازم در سطح کشور اقدام کند. ولی همان طور که گفته شد به دلیل ویژگیها و خصوصیات خاص منابع درآمد دولت بودجه کشور ما انعطاف پذیری لازم را برای ایجاد دگرگونی در هزینه‌های جاری و عمرانی ندارد. مهمترین منبع درآمد عمومی دولت نفت است و از آنجا که تصمیم گیری در مورد آن تقریباً خارج از چهارچوب اقتصاد ملی کشور ما قرار دارد نمی‌توان بطور قطعی در مورد آن برنامه ریزی کرد. با توجه به مباحث فوق در اینجا سئوالی که در ابتدای بحث به آن اشاره کردیم قابل طرح می‌باشد و آن اینکه چگونه می‌توان بودجه مطلوبی را طراحی کرد که متکی به درآمدهای نفتی نبوده، از نواقصی که به آنها اشاره شد دور باشد و انعطاف لازم را در زمینه هزینه‌ها و اطمینان مورد نیاز را در رابطه با درآمدها دارا باشد؟ در پاسخ به این سئوال باید گفت که بطور کلی این مساله مورد توافق همه است که باید سهم درآمدهای نفتی در بودجه عمومی دولت کاهش پیدا کند اما در اینجا نکته مهم نحوه و مکانیزم اجرای این مساله در قالب یک برنامه مشخص و زمان بندی شده می‌باشد.

بطور کلی چند راه منطقی برای حل عملی این مساله وجود دارد. اولین راه حل این است که از طریق درآمدهای نفتی امکان سرمایه گذاریهایی را در زمینه‌های مختلف به وجود بیاوریم که این سرمایه گذاریها به ما امکان و اجازت در اختیار گرفتن منابع جایگزین را بدهد. در طول تاریخ اقتصاد کشور این مساله را در مورد شرکتها دولتی می‌توانیم بخوبی مشاهده کنیم. اساساً یکی از دلایل تاسیس این شرکتها این بود که ثروت نفت از گانال فعالیت این واحدها به یک سرمایه تولیدی تبدیل بشود و از محل این سرمایه تولیدی سیستم از مازادهای اقتصادی برخوردار شود و در نتیجه آرام آرام این درآمدها جایگزین درآمد نفت بشود. بر طبق قوانین مربوطه این شرکتها از طریق فعالیتهای سودآور باید علاوه بر پرداخت مالیات، به دولت نیز سود سهام بپردازند. قاعدتاً اگر در سنوات گذشته شرکتها دولتی مواد یا کارایی مطلوب ایجاد شده بود، این توافق قبول بود که ثروت نفت به سرمایه‌های تولیدی مولد تبدیل بشود تا از طریق مالیات و سود سهام و ازسوی دیگر از طریق عرضه کالاها و خدمات به سیستم اقتصادی کشور کمک کرده و احتیاجات با صدور کالاها به خارج و کسب ارز در اصلاح نظام مالی و ساختار اقتصادی جامعه نیز موثر باشند.

اما در حال حاضر عملاً این فرضیه زیر سؤال رفته است زیرا شرکتها دولتی در عمل نتوانسته‌اند در ساختار بودجه کل کشور جایگزین درآمد نفت شوند.

یکی دیگر از راه حل‌ها این است که در صورت عدم امکان برای اجرای یک راه حل همه جانبه، به نحوی از انحاء بودجه عمرانی کشور به نفت مرتبط شود و دارایی‌های اقتصادی دیگری جایگزین نفت بشود یعنی به عبارت دیگر ثروت طبیعی کشور به دارایی‌های اقتصادی دیگر تبدیل شود.

مستافانه این ترمیم با شکست روبرو شده است و دلیل آن نیز این است که بخش قابل توجهی از هزینه‌های جاری کشور از درآمد نفت تامین شده که این مساله در بعضی از سالها، معادل درآمد عمومی کشور یعنی معادل درآمد مالیات به علاوه درآمد نفت و سایر درآمدها بوده است و

در این میان اغلب هزینه‌های سرمایه‌ای و یا هزینه‌های عمرانی کشور از محل منابع تامین کسری بودجه، تامین کسری بودجه، تامین مالی شده است و عمده ترین منبع این تامین مالی نیز استقراض از سیستم بانکی و چاپ اسکناس بوده است یا توجه به ضعف و اشکالاتی که در فرضیه‌های فوق مطرح است و با توجه به سهم فزاینده درآمدهای نفتی در بودجه کشور و از طرفی وضعیت خاص درآمدها و هزینه‌ها که برای ایجاد تحولات بنیادی در ساختار اقتصادی کشور انعطاف پذیری لازم را ندارند می‌توان گفت که این مساله در کوتاه مدت راه حل مشخصی ندارد و برای آن باید یک راه حل بلند مدت و همه جانبه را در نظر گرفت. در این رابطه نکته مهمی که متأسفانه تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته این است که هر فکری در این خصوص لزوماً باید روش‌های اجرایی لازم را نیز با خود داشته باشد و مهمتر از آن روشهایی را پیشنهاد کند که به افزایش ساختار درآمدهای دولت از وابستگی شدید و بدون نظارت به درآمدهای نفتی کمک کند. بنابه عقیده اکثر کارشناسان اولین گام در اصلاح این ساختار اصلاح روش‌های بودجه ریزی می‌باشد. زمانی که

*** در همه نظام‌های مالیاتی**
این اصول اساسی وجود دارد که هر کس به میزان «بهره‌مندی بیشتر از خدمات اجتماعی» و «توانائی پرداخت بیشتر» باید مالیات زیادتری بپردازد.

*** در صورت در نظر گرفتن تمامی ظرفیتهای مالیاتی، این ظرفیتهای قادر به تامین نیازهای جاری و صرف نظر کردن از درآمدهای نفتی به منظور تامین نیازهای جاری می‌باشند.**

درآمدهای بودجه این چنین وابسته به درآمدهای نفتی است، روش‌هایی را می‌باید انتخاب کرد که بطور منطقی درآمدهای نفتی را از بودجه کشور خارج کنند و یکی از روش‌های پیشنهادی این است که در ابتدا مشخص شود که درآمدهای نفتی با کدامیک از درآمدهای دولت تعادل دارد. همان طور که اشاره شد دریافت‌های بودجه عبارتست از درآمد نفت، درآمد مالیاتی و سایر درآمدها و زمانی که مجموع این درآمدها از مجموع هزینه‌ها کمتر باشد، دولت با کسری بودجه مواجه است و برای تامین این کسری بودجه تیزراههای گوناگونی وجود دارد که از جمله‌ی این راهها استقراض خارجی است که تاکنون پس از پیروزی انقلاب اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است. راه حل بعدی استقراض داخلی است که یا از طریق استقراض از سیستم بانکی و یا از طریق چاپ اوراق قرضه عملی می‌باشد. اگر به کیفیت هر کدام از این اقدامات در یافتی توجه کنیم با توجه به اینکه درآمدهای نفتی از نوع درآمد ارزی است می‌توان این نوع از درآمد را با استقراض خارجی مقایسه نمود و چنین تلقی کرد که این درآمدها باید از آنچنان بهایی برخوردار باشد که به نحوی یا استقراض خارجی مقایسه شوند. ما هم اکنون در ساختار اقتصادی ملی و در نظام بودجه ریزی نیازمند این هستیم که از داخل سیستم نظارتی را بر ظرفهای عمرانی برقرار کنیم.

وقتی که ما با منابع ارزی فراوان نظیر ۲۰ یا ۲۴ میلیارد دلار درآمد نفتی، روبرو می‌شویم در ابتدا به نظر می‌رسد که منابع سهل الوصولی را در اختیار داریم، در حالیکه اگر عمیق تر به مساله نگاه کنیم و آنها را مثلاً با احتمال استقراض از خارج مقایسه کنیم، مشاهده می‌کنیم که در سطح جهان نحوه برخورد با درآمدهای نفتی در ایران از محل فروش نفت بدست می‌آورد با نحوه برخورد ما با عواید نفتی بسیار تفاوت دارد.

معمولاً زمانی که صحبت استفاده از منابع خارجی به میان می‌آید این منبع خارجی شرایط سیاسی و اقتصادی خود را بروام گیرنده تحمیل می‌کند. در استفاده از وام خارجی نهایتاً باید مجرایی که از طریق آن این امکان در اختیار شما گذارده می‌شود، مجرایی باشد که وام دهنده به برگشت اصل و بهره خود مطمئن باشد. بنابراین اگر بخواهیم از درآمدهای نفتی به بهترین نحو و با حساسیتی نظیر حساسیتی که در مورد استقراض خارجی مطرح می‌باشد استفاده کنیم، باید یک اصلاح پیشینی همه جانبه در نحوه نگرش خود نسبت به گذشته به وجود بیاوریم. اصلاح به این معنی که باید با درآمدهای نفتی به صورت وام خارجی برخورد کنیم. این مساله به آن معنی است که تصور کنیم درآمدهای را در اختیار داریم که حتماً باید در زمینه‌های انتفاعی از آنها استفاده کنیم یعنی در زمینه سرمایه گذاری‌هایی که جدا از هزینه‌های جاری و خدماتی دولت می‌باشند و اطمینانی نسبت به بازگشت اصل سرمایه و بهره آن در یک مدت قابل قبول وجود دارد.

با این چشم انداز اگر از محل درآمدهای نفتی ۳ میلیارد دلار برای کارهای انتفاعی اختصاص می‌یابد با این مبلغ در بخش‌های صنعت و کشاورزی و سایر بخشها باید به همان نحوی برخورد کنیم که گویی این سرمایه از وام خارجی تامین شده است.

علاوه بر اینکه در این مورد یعنی استفاده از درآمد نفت از نظر فشار سیاسی و اجتماعی در امان هستیم زیرا منابع درآمد از جمله منابع ملی و داخلی است. بنابراین یکی از پیشنهادات تعیین کننده برای اصلاح ساختار درآمدهای دولت، خارج کردن درآمد نفت از سایر درآمدهای دولت و قرار دادن آن در بخش منابع تامین کسری بودجه است. بنابراین عملاً در بخش درآمدهای عمومی بودجه، مالیات و سایر درآمدها در مقابل هزینه‌های جاری دولت باقی می‌ماند و در نتیجه بایک کسری بودجه ای بسیار بالاتر از این کسری فعلی مواجه خواهیم شد که این کسری فوق العاده را به هر صورت می‌باید تامین کرد. منطقی ترین شیوه تامین این کسری بودجه دریافت هزینه‌های اجتماعی از استفاده کنندگان این خدمات است. البته می‌توان از نفت نیز تاجد مشخصی برای گردش زندگی جاری اجتماعی استفاده کرد ولی روش منطقی این است که در یک روند از پیش تعیین شده و با اقرار گرفتن در یک جهت اصلاح شده سالم به این سمت گام برداریم که نظام اجتماعی از طریق مالیات و سایر درآمدها، هزینه‌های مربوطه را تامین کند.

نظام مالیاتی مطلوب

قاعداً برای اصلاح نظام بودجه، بحث نظام مالیاتی مطلوب نیز مطرح می‌شود. نظام‌های مالیاتی دارای اصول مشخصی می‌باشند، ولی بطور کلی در این مورد به دو اصل اساسی می‌توان اشاره کرد. اول اینکه هر کس به میزان بهره‌مندی بیشتر از خدمات اجتماعی، مالیات بیشتری باید بپردازد و دوم اینکه آن کسی که توانایی پرداخت بیشتر را دارد اصولاً باید بیشتر مالیات بپردازد. به این ترتیب است که باین دو حکم کلی، می‌توان انتظار داشت که ساختار بودجه دولت در زمینه درآمدها و نحوه برخورد با درآمدهای نفت به نحو مطلوبی اصلاح شود.

اصلاح ساختار بودجه دولت، گامی در جهت کاهش وابستگی به نفت

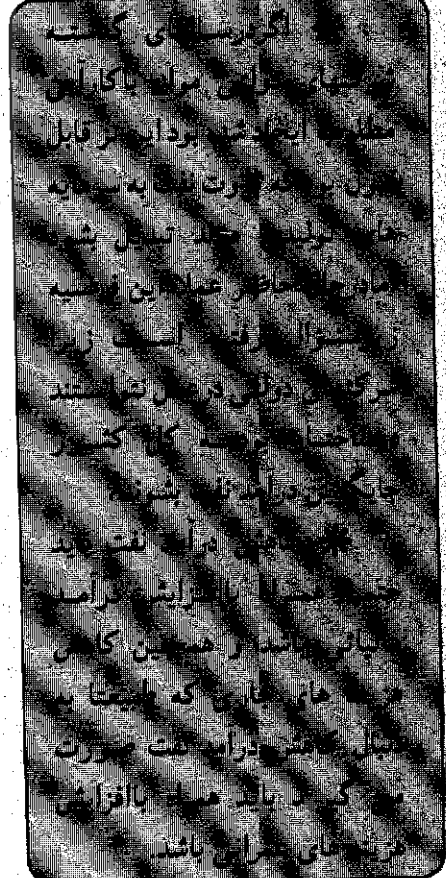
اقتصادی آینده کشور در یک مقطع زمانی معین، مستقل از نفت امکان پذیر باشد. تدوین ضوابط این امر زمانی که ما از تامین هزینه های جاری توسط مالیاتها کسب اطمینان کنیم و فقط برای سرمایه گذاری های عمرانی از درآمد نفت استفاده کنیم عملی است. تدوین ضوابط این امر که چگونه باید از درآمدهای نفتی برای این سرمایه گذاری استفاده کرد نیز قابل توجه است. قاعدتا باید از این درآمدها چنان استفاده بشود که اولاً رشد القای اقتصاد کشور را حتی الامکان از وابستگی به درآمدهای نفتی جدا سازد و برای این کار همانند تمام کشورهایی که نفت ندارند باید دیدگاه نظری نحوه برخورد با این امر اصلاح شود. باید سرمایه گذاری ها را به شکلی تعقیب کرد که حتی الامکان بازگشت اصل و سود معینی از این سرمایه گذاری را تضمین کند و این امر باید آنچنان باشد که حداقل بتوان بعد از مدت زمانی معینی یک اصلاح ساختاری را انجام داد. لذا بخشی از اصل و سودی که پس از سرمایه گذاری باز می گردد به صورت ارز باشد تا همانطور که از ارز در این جریان استفاده می شود تا همانطور نیز ارز برگردانده شود. احتمالاً این کار مشکل به نظر می رسد ولی کاری است که نهایتاً تمام کشورهایی که دارای نفت نیستند مجبور به انجام آن بوده اند و ما نیز اگر ضرورت یک اصلاح ساختاری را در اقتصاد کشورمان بپذیریم به ناچار باید برای تحقق آن اصلاحات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دیگری را نیز مد نظر قرار دهیم و برای این اصلاحات باید ابتدا پیش فرض ها و نیازهای بودجه ای را از لحاظ فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی مطرح کنیم و با جدیت طرح هایی را جهت نیل به اهداف مورد نظر ارائه و به انجام برسانیم. البته لازم به یادآوری است که این اقدامات در یک روند طولانی و در بلند مدت، عملی می شود ولی از آنجا که تا بحال بطور مشخص در سطح کشور مطرح نشده است ضرورت طرح آن و تأکید بر بحث و بررسی پیرامون موارد و مسائل مختلف آن بیش از پیش احساس می شود و این نوشتار نیز بدینال درک این ضرورت تهیه شده است.

نیز نمی توان فراموش کرد که روش های انجام کار می توانند در نتیجه کار نقش تعیین کننده ای داشته باشند.

نکته دیگری که در اینجا مطرح است عبارت از این است که آیا اگر نفت به نحوی از آنجا از بودجه جاری دولت جدا شود، آیا ظرفیت های مالیاتی جامعه، قادر به تامین نیازهای جاری دولت خواهد بود؟ مطالعات و بررسیهای انجام شده در این زمینه نشان می دهد که در صورت در نظر گرفتن تمامی ظرفیتهای مالیاتی، این ظرفیتهای قادر به تامین نیازهای جاری و صرف نظر کردن از درآمدهای نفتی به منظور تامین نیازهای جاری می باشند. بررسی مجموع فعالیتهای اقتصادی واجتماعی ما در چهارچوب تولید ناخالص داخلی در نظام حسابهای ملی، نشان می دهد که طی سنوات گذشته از مجموع ۴۰٪ بخش عمده در این زمینه یعنی خدمات، نفت، و گاز، صنایع و معادن و کشاورزی، بخش خدمات بیشترین سهم را در تولید ناخالص داخلی داشته است که این سهم گاهی تا ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی کشور نیز گسترش یافته است. باتوجه به اینکه هزینه های واسطه این بخش محدود بوده و ارزش افزوده آن نیز به صورت سود قابل تجسم می باشد مشاهده می شود که حتی اگر درصدی از این مازاد به صورت مالیات اخذ شود، ظرفیت مالیاتی لازم برای تامین هزینه های جاری دولت موجود است. اگر این کار انجام شود، در این ساختار جدید فضا برای تنفس آماده می شود. یعنی مالیاتها برای تامین هزینه های جاری از جامعه اخذ می شود و دیگر ناچار تیشیم که برای مقابله با تورم از درآمدهای نفتی استفاده کنیم. از سوی دیگر برای تامین هزینه های جاری مجبور نمی شویم که به استقراض از سیستم بانکی و افزایش حجم پول در گردش و پیاپی پولی در کشور که افزایش قیمتها را به دنبال دارد اقدام کنیم. در نتیجه ای این اقدامات، درآمدهای نفتی کشور برای فعالیتهای عمرانی آزاد می شود و فعالیتهای عمرانی نیز منبهی را در مقابل خود خواهد داشت که بسیار با ارزش است و یا دقت باید از آن برداشت کرد و به نحوی باید با آن برخورد شود که رشد

بنابراین پیشنهاد اصلی این است که حداقل برای یکبار این تغییر از مالیش شود و بودجه ای بسته شود که در آن با نفت لااقل با طرز تفکر قبلی برخورد نشود و نفت به عنوان پارامتری خارج از نظام مالی دولت تلقی شود و به جای اینکه منبع اصلی درآمد دولت محسوب شود، به عنوان وسیله ای که به کمک آن کمیونها بر طرف می شود مورد استفاده قرار گیرد.

به این ترتیب ادامه فعالیتهای عمرانی به نحو مطلوب تری مورد بررسی قرار خواهند گرفت و در اجرای یک طرح که سرمایه آن از درآمد نفت تامین می شود بازگشت اصل و بهره سرمایه بکار رفته به لحاظ اینکه سرمایه تامین کننده هزینه طرح یعنی نفت جزء انفال می باشد پیش بینی خواهد شد. مبنای حقوقی این مساله نیز موجود است. از گذشته دور همواره بخشی از درآمدهای نفتی کشور با این



هزینه مصرفی بخش دولتی به تفکیک دستگاهها: ۶۲ - ۱۳۵۸ (میلیارد ریال)

شوع	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲
قیمت جاری	۱۲۲۲/۰	۱۲۷۷/۱	۱۲۷۶/۶	۱۸۲۴/۲	۲۱۰۰/۲
وزارتخانه ها و موسسات وابسته	۱۱۷۲/۲	۱۲۰۸/۶	۱۶۲۱/۵	۱۷۸۵/۲	۲۰۷۷/۰
شهر، دهها	۲۱/۶	۶۰/۲	۲۷/۵	۵۰/۰	۶۵/۲
سازمان تامین اجتماعی	۸/۰	۸/۱	۷/۶	۹/۰	۸/۰
قیمت ثابت (سال ۱۳۵۳)	۶۲۶/۷	۵۸۰/۲	۶۰۶/۹	۵۸۲/۶	۵۷۲/۱
وزارتخانه ها و موسسات وابسته	۶۱۰/۸	۵۵۲/۰	۵۸۸/۲	۵۶۶/۹	۵۵۲/۵
شهر، دهها	۲۱/۸	۲۲/۹	۱۵/۹	۱۲/۱	۱۵/۷
سازمان تامین اجتماعی	۲/۱	۳/۵	۲/۶	۲/۶	۱/۹

ماعد - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره احصای اقتصادی.

دیدگاه که نهایتاً بتوانند اصل و بهره خود را به سیستم بازگردانند، به سرمایه گذاری اختصاص یافته است. از لحاظ روشی انجام کار نیز به نظر می رسد که این روش از روشهای مطلوب برای اصلاح ساختار درآمدها و جدا کردن درآمدهای نفتی از بودجه دولت می باشد.

البته این نکته را نیز نباید فراموش کرد که برای جدا کردن نفت از ساختار اقتصادی کشور فقط اصلاح روش کافی نیست و علیرغم این باور اصولی و منطقی، این نکته را